

سخنرانی آقای شمیم

وضیعت یکی از قبایل بزرگ ایران

از حیث آداب و عادات و اخلاق

موضوع سخنرانی بنده بطوری که ملاحظه میفرمایند از حدود یک جلسه سخنرانی تجاوز میکند و علاوه بر آن بحث دقیق در باب یکی از قبایل بزرگ ایران مستلزم تتبع و تحقیق و بررسی کافی است که فرصت انجام آن برای بنده دست نداده است و بهمین علت موضوع سخنرانی را به بیان مطالبی در باب قبایل کرد حصر داده‌ام تا اگر فاقد مزایای علمی و فنی باشد لافل مزیت اختصار را واجد گردد.

کردها بزرگترین و قدیمی‌ترین قبایل بزرگ آریائی سرزمین ایران هستند که در نواحی کوهستانی و محصور مغرب فلات ایران از دیرزمانی سکونت اختیار کرده و بحفظ ملیت و آداب و اخلاق ایرانی موفق گردیده‌اند و این امر نتیجه وجود کیفیات خاصی است که از لحاظ اجتماعی و سیاسی در وضع زندگانی قبایل کرد تأثیر داشته است:

۱ - یکی آنکه بطور کلی قوه رشد و نمو و تبدل در صحرائشیمان و قبایل محصور در کوهستان بسیار کم است و تا عامل قوی و زورمندی موجب تغییر احوال آنها نشود خود بصرافت طبع آداب و سجایای خویش را از دست نمیدهند طبیعت محصور و محیط بسته مسکونی قبایل کرد مغرب ایران از قدیمترین زمان تاریخی (دوره مادها) این قبایل را در باب آداب و عادات و مراسم خویش محافظه‌کار بار آورده بود.

۲ - دیگر آنکه جریان و وضع حکومت‌های قدیمه ایران باین قبایل و بسیاری از قبایل دیگر ایرانی و بیگانه فرصت داده بود که در محیط مسکونی خود بدون ارتباط باخارج و در حال توقف دائمی باقی بمانند. حکومت‌های قدیم ایران با اینکه فداکاریها و رشادت‌های قبایل کرد را در راه دفاع از ایران و ایرانیت میدیدند باز هم کمتر در وضع زندگی و چگونگی جریان حوادث داخلی سرزمین کردها دخالت میکردند و این عدم توجه از لحاظ اقتصادی نیز اثرات مهمی در زندگانی کردها داشته که چون از موضوع سخنرانی

بنده خارج است از ذکر آن خودداری میشود.

بنابراین مقدمه باید اعتراف کنیم که قبایل کرد بهتر و بیشتر از سایر اقوام ایرانی نژاد بحفظ بسیاری از آداب و مراسم و عادات ایرانی موفق گردیده و خیلی کمتر از قبایل دیگر دچار تحوّل و تبدل شده‌اند و در این صورت اگر آداب و مراسم کردها در قرون اخیر ذکر شود لااقل نمونه‌ای از چگونگی زندگی و عادات و اخلاق این قبایل در دوره‌های قدیم نیز تواند بود.

حضار محترم در پایان این سخنرانی ملاحظه خواهند فرمود که مابین بسیاری از مراسم و آداب قبایل کرد با آنچه در قدیم میان ایرانیان معمول بوده و امروز نیز جزو آداب ملی ما بشمار می‌آید اختلافی موجود نیست. بشهادت تاریخ قبایل کرد همیشه در دفاع از استقلال و ملیت ایران پیشقدم بوده‌اند و امروز نیز در پرتو توجهات عالی شاهنشاه بزرگ ایران کردها و سایر قبایل در تحکیم وحدت ملی و هم‌آهنگی با تمدن جدید ایران همدوش دیگران قدم بر میدارند.

ساختمان بدنی

تحقیقاتیکه تا کنون در باب ساختمان بدنی و تمیزات نژادی کردها چه در ایران و چه در خارج ایران بوسیله متخصصین و دانشمندان انجام گرفته هرگونه سوءظنی را در خصوص ایرانی بودن این قبایل برطرف می‌سازد و چون اینگونه تحقیقات ارتباط خاصی با موضوع سخنرانی بنده دارد در اینجا خلاصه آنرا بعرض حضار محترم میرسانم. از لحاظ نژاد شناسی طبیعی و تمیزات نژادی:

۱ - کردها بلند قامت‌اند و بطور کلی ۸۳ در صد قد کردها از حدّ متوسط یعنی از ۱۶۵ سانتیمتر بیشتر است.

۲ - از لحاظ اندازه حجمه^۱ صرفنظر از اختلافات جزئی که بین محققین وجود دارد عموماً کردها را از تیپ براکیسفال^۲ تشخیص داده‌اند، حدّ متوسط نسبت بین عرض و طول حجمه کردها ۷۸ است.

۳ - اندازه زاویه بینی (یعنی نسبت بین زاویه بینی و طول بینی) اکثر کردها ۷۰ است و بدین ترتیب از تیپ «لیتورینین^۱» بشمار می‌آیند.

۴ - از لحاظ شکل صورت و قیافه از تیپ «لیتوپروزوپ^۲» هستند یعنی صورت کشیده و موزون دارند.

۵ - موی کردها صدی ۸۲ مشکی پرپشت و بقیه بلوطی رنگ است و اغلب لب و دهان کوچک دارند.

۶ - از لحاظ بنیه جسمانی تندرست و زورمند و چابک هستند.

وقتی تمیزات و مختصات نژادی کردها را با آنچه در خصوص کیفیات نژادی آرینها خاصه آرینها ایران گفته شده می‌سنجیم جز تغییرات مختصری که بر حسب آب و هوا و مقتضیات طبیعی و طی زمان در رنگ مو و رنگ چشم کردها حاصل شده هیچگونه اختلافی بین کردهای امروز ایران و قبایل و اقوام آریائی دوره مادها و هخامنشی وجود ندارد و تمیزات و خصایصی که در بالا گفته شد عیناً همانست که امروز نیز از طرف محققین در باب نژادهای آریائی یا هند و اروپائی ابراز میشود ولی گاهی مقتضیات سیاسی با تحقیقات علمی روبرو شده یک یا چند نفر را واداشته است که مقاصد سیاسی را در لقایه تحقیقات علمی پوشانیده حقیقت امر را مخفی بدانند و بنا بر این اگر غیر از آنچه گفته شد عقیده یا نظریه دیگری در باب کردهای ایران ابراز شده باشد از نظر علمی ارزشی نخواهد داشت.

توزیع جغرافیائی کردها

کردستان ایران منطقه وسیع کوهستانی است که از دوره مادها مرکز اجتماع قبایل آریائی ایران بوده و امروزه نیز مسکن عمده قبایل کرد است ولی بسوق حوادث تاریخی و بنا بر سیاست‌های مختلفی که دولتهای گذشته ایران اتخاذ کرده‌اند بسیاری از قبایل کرد مغرب ایران به نقاط دیگر کشور کوچیده و در مرزهای ایران بدفاع از کشور قیام کرده‌اند و فعلاً در حوالی ماکو و شاهپور (نزدیک مرز ایران و ترکیه) و

قوچان و دره گز (مرز ایران و روس) و نیز بعضی از نقاط فلاحتی مرکز ایران مثل تاکستان (واقع در ۴۰ کیلومتری قزوین) ساکن هستند.

تقسیمات کردها از لحاظ طرز سکونت

یکی از وجوه تمایز بین قبایل کرد و سایر اقوام ایرانی مغرب و مرکز ایران طرز سکونت آنهاست و این تفاوت از اصطلاحی که بین قبایل کرد معمول بوده است روشن میشود.

۱ - کوچری - صحرا نشینان کرد بودند که کمتر در مکان معین بطور توالی ساکن میشدند زمستان را در دره های گرم و تابستان را در نواحی مرتفع بسر میبردند. موقعی را که در هوار (بیلاق) بودند درسیاه چادرهایی که بشکل مربع بر زمین استوار میکردند و آنرا دوار میگفتند میزیستند و قبایل مجاور جنگلها بجای سیاه چادر خانه های موقتی از شاخ و برگ و پوستال جنگل بنام کپَر فراهم میساختند ولی در این نقل و انتقال هیچگونه زیبایی از لحاظ سکونت متوجه ایشان نمیشد و در هر فصل بمقتضای آن فصل از محل سکونت خود استفاده میکردند. این دسته از قبایل کرد سکونت در شهر و مکان ثابت را زیان آور پنداشته و این جمله در میان ایشان مشهور بود که «شهر نشینی مایه بدبختی است».

۲ - ده نشینان و شهر نشینان کرد که با وجود سکونت در مکان ثابت مراسم و آداب معموله کوچریها را با آنکه تفاوتی حفظ کرده بودند و حتی قبایلی از ده نشینان که بشهرهای مغرب ایران کوچیده بودند همیشه در اجرای آداب و مراسم اصلی خویش می کوشیدند.

سازمان قبیله

۱ - اساس تشکیلات قبیله در میان کردها اشتراك در تبعیت از يك رئیس بوده است. ریش سفیدان کسی را از میان خود بریاست قبیله برمی گزیدند و تازمانیکه رفتار و کردار رئیس بر وفق مصالح ایشان بود در احترام و اطاعت محض نسبت باو فروگزاری نمیکردند ولی همینکه خلافی از رئیس دیده میشد که چشم پوشی از آن برای

افراد قبیله امکان پذیر نبود تمام افراد جمع میشدند و رئیس دیگری انتخاب میکردند و عزل رئیس سابق از منصب ریاست بدین طریق انجام میگرفت که یکی از ریش سفیدان کفشهای او را جلو پایش میگذاشت و بلافاصله رئیس سابق از محل خود خارج و در جگره افراد قبیله برای انتخاب رئیس جدید داخل میشد و در هر انتخاب نیز بایستی تمامی افراد قبیله از زن و مرد رأی خود را ابراز نمایند مسائل و مشکلات زندگانی هر قبیله بوسیله رئیس و انجمن ریش سفیدان حل میشد.

۲ - هر قبیله اعم از کوچری و ده نشین امور زندگی را میان افراد معین تقسیم میکردند و هیچکس حق نداشت از حرفه اختصاصی خود دست کشیده بحرفه دیگری دخالت کند.

۳ - معامله و داد و ستد اکثر بصورت مبادله جنسی بود و علاوه بر آن در موقع تماس و اصطکاک با شهر نشینان اصول تعاون در جمع آوری محصول بین افراد هر قبیله رواج داشت فی المثل در یکروز معین تمامی گاوداران قبیله شیر گاوهای خود را بیک فرد معین می دادند و آن شخص تمامی شیرها را بشهر میبرد و پول آنرا برای خانواده خود خرج میکرد و این ترتیب بنوبت بین گاوداران قبیله ادامه داشت و هر فردی بدون تحمّل زحمت در جمع آوری پول شیر یا محصول دیگر خویش میتوانست در روزی که نوبت فروش باو میرسد تقریباً تمام مایحتاج زندگی خود را از شهر تهیه کند.

مقام زن در قبیله کرد

۱ - زن رکن اساسی زندگی خانواده کرد بوده است. اداره خانه از هر حیث، تهیه ملبوس و مفروش، تربیت مویشی و مواظبت آنها، چیدن پشم گوسفند، دوشیدن شیر، پذیرائی از میهمانان از وظایف مخصوص زنان کرد بوده و در عین حال از تربیت و مواظبت اطفال خویش غفلت نداشته اند زنان کرد با اینهمه مشاغل در امر کشاورزی و باغبانی نیز بامردان خود همدست بودند.

زن در قبیله کرد پایه اجتماعات بود و هیچ اجتماعی از مردان تشکیل نمیشد مگر آنکه زنان نیز در آن شرکت داشتند زن کرد که زیبایی و وجاهت طبیعی را با

عروسی است. در روزگار قدیم چنانکه بین همه قبایل معمول بوده ازدواج پسر و دختر فقط بوسیله حشرو نشر با یکدیگر انجام میگرفته و آمدن عده‌ای از کسان عروس بخانه داماد نشانه رضایت پدر و مادر و کسان دختر از ازدواج او بوده و این رسم هنوز در مراسم عروسی قبایل کرد و حتی در میان شهرنشینان دیگر ایران نیز باقی است. در میان قبایل کرد اظهار عشق نسبت بزن شوهردار بزرگترین مفاسد اخلاقی محسوب میشد و مرتکب فوراً بقتل میرسید ولی بنا بعادت دیرین همگی سعی میکردند که وسائل معاشرت و همخوئی پسران و دختران با یکدیگر فراهم سازند و بطور کلی دختر و پسر تا آنجائی که بشرافت یکدیگر دست درازی نمیکردند در معاشرت آزاد و مدتها با یکدیگر محشور و مانوس بودند.

یکی از مراسم عروسی آزمایش قوای پهلوانی داماد بود. کسان عروس و کسان داماد همگی بر اسب نشسته در میدان خارج از سیاه چادر گرد یکدیگر حرکت میکردند و کم‌کم بداماد نزدیک میشدند داماد بایستی با تهور و زبردستی خودرا از جرگه سواران خارج نموده بعروس که روی اسب می نشست نزدیک شود و او را از روی زین اسب ربوده بر ترك خود بنشانند و فرار کنند. اگر کسان عروس در موقع تعاقب داماد را بدست میاورند عدم لیاقت و کفایت داماد در فنون پهلوانی ثابت میشد و عروس از ازدواج با او امتناع میکرد.

دیگر از مراسم عروسی افروختن آتش و رقص عمومی بود. زنان و مردان مخصوصاً دختران و پسران دور آتش دست بدست یکدیگر داده با آهنگ ساز و دهل می رقصیدند گاهی یگزن و یک مرد بترتیب در دایره میایستادند و این رقص را چوبی رشبلك (رشبلك تعبیری است از تقارن جو و گندم) می گفتند گاهی نیز فقط مردان مخصوصاً جوانان از روی آتش جست و خیز میکردند و آنرا (چوبی هل پرله) میگفتند. سابقاً معمول بوده است که موقع ورود کسان عروس بخانه داماد ظرفهای بزرگ از سرکه و شیر مخلوط پر کرده و بعده کسان عروس قاشق چوبی حاضر مینمودند کسان عروس پس از نوشیدن سرکه شیر قاشق را با خود بخانه عروس میبردند اخیراً رسم دادن

صحت و تندرستی توأم داشت از کسی روی نمی پوشید زنان کرد از آرایش گریزان نبودند و اغلب دست و بازوی خودرا خال کوبی کرده پول مخصوصاً پول طلا را با رشته‌ای بهم پیوسته دور کلاه و گردن خود میآویختند.

عادات فردی و اجتماعی.

۱ - مردان هر قبیله سواری و تیراندازی را فرا میگرفتند و جنبه پهلوانی و سلحشوری را تا دم مرگ حفظ میکردند و این عادت که نمونه برجسته‌ای از عادات پسندیده نژاد بزرگ ایرانی است در میان طوایف کرد چنان رسوخی داشت که در بسیاری از مراسم و آداب زندگی ایشان تأثیر میکرد.

۲ - از مسکرات و دخانیات همیشه گریزان بودند.

۳ - از فساد اخلاق و اعمال منافی عفت بکلی برکنار بودند.

۴ - در انجام مراسم مذهبی عادت به سختگیری و الزام یکدیگر نداشتند.

۵ - رازخوانی - کرد ها بداستانهای پهلوانی علاقه مند بودند و افراد هر قبیله بکرشته داستانهائی از دیر زمان بخاطر داشتند و شبها دور یکدیگر جمع شده شروع بقصه گفتن میکردند این قصه ها و داستان ها را «راز» میگفتند و برای راز خوانی مخصوصاً اشخاصی را پرورش میکردند و همیشه مفاخر اجدادی خود را در رازها بیان میکردند. هر قبیله برای خود رازهای جداگانه و مخصوصی داشت ولی اکثر رازها شامل حکایات پهلوانی از دوره‌های قدیم ایران و پهلوانان آن عصر بود.

۶ - اهل طریقت - در میان قبایل کرد اهل طریقت نیز وجود داشتند این افراد رئیس و مرشد خودرا «پیر» میگفتند و در حضور پیر بریاضت‌های بدنی بسیار سخت میپرداختند. اهل طریقت در کردستان دو دسته بودند: یکی کرد های نقشبندیه که در مجالس خود ذکر خفی میکردند و کرد های قادریه که ذکر جلی داشتند و ذکر ایشان همیشه بادف همراه بود.

مراسم عمده کردها.

۱ - مراسم عروسی - شیرین ترین و زیبا ترین مراسم قبایل کرد مراسم

سرکه‌شیره منسوخ شده بود ولی کسان عروس از خانه داماد قاشق می‌گرفتند.

رهائی در میان قبایل کرد بسیار زشت بود و کمتر اتفاق می‌افتاد. سابقاً مردان قبیله در موقع عزیمت بجنگ بطلاق ورهائی زن خویش سوگند یاد میکردند که از جنگ فرار نکنند.

مراسم عزاداری.

مراسم عزاداری کردها باشهرنشینان چندان تفاوتی نداشته ولی در مورد بزرگان وریش سفیدان قبیله مراسم خاصی را اجرا میکردند.

اسب صاحب مرده را با پارچه‌های مختلف و شال زینت کرده کلاه صاحب آنرا روی زین میگذاشتند و چکمه‌ها یا پاپوش او را از دو طرف زین می‌آویختند و دور سیاه چادرها یا در کوزه‌های ده میگرداندند و هرکس میتوانست اسبی را زین کرده بدون سوار برای تشییع جنازه میفرستاد و اکثر کسان مرده بکلاه و لباس خود گل و لای میزدند و این رسم در میان قبایل لر و بعضی از ده نشینان مغرب ایران نیز معمول بوده است.

سجایای کردها.

- ۱ - کردها عموماً شجاع و سلحشور ولی قوه تحمل و پایداری ایشان در مقابل حوادث باندازه قبایل لر نیست.
- ۲ - در میهان نوازی و سخای طبع مشهورند.
- ۳ - خودستایی و خودنمایی را بسیار دوست میدارند و ذاتاً متکبر و مغرور هستند.
- ۴ - پرکار و زحمت کش و قانع‌اند.
- ۵ - درسواری و تیراندازی مهارت کامل دارند.
- ۶ - زودتر و بهتر از سایر قبایل تابع نظم و انضباط نظامی میشوند و در اندک مدّت سربازان مطیع و رشیدی بار می‌آیند.

تراوشات فکری و ذوقی

رازخوانی یکی از بهترین وسایل سرگرمی مردان و زنان کرد است. از شنیدن

اشعار شاهنامه فردوسی مخصوصاً آنچه مربوط بجنگها و داستانهای پهلوانی است لذت زیاد می‌برند و علاوه بر این کردها مثل کلیه طوایف ایرانی نژاد با ذوق و دارای احساسات لطیف هستند. از میان قبایل کرد شعرای زیادی ظهور نکرده‌اند ولی آنچه از ابیات و ترانه‌های کردی باقی مانده بهترین نماینده ذوق و احساسات کردهاست و اینجا برای نمونه یک بیت از غزل نالی شاعر معروف کرد برای حضار محترم خوانده میشود.

هرچند کروتم بخدا مایل روتم بی برگی علت که هتومیلی آهتاوا

مضمون شعر این است که « اگر چه بی ساز و برگم و برهنه‌ام ولی آرزومند دیدار روی تو هستم زیرا طفل یتیم برهنه همیشه طالب دیدار آفتاب است.

